

شرق

روزنه

ژست پدری برای مکرون جوان

«فرانسوا اولاند»، رئیس‌جمهوری سابق فرانسه، برای «امانوئل مکرون» ژست پدری گرفته است؛ اما رئیس‌جمهوری جدید نمی‌خواهد پایانی مانند او داشته باشد. امانوئل مکرون درحالی‌که لیجندی بر لب داشت، فرانسوا اولاند دست خود را به دور گردن او انداخته بود. مکرون مؤدبانه به حرف‌های رئیس‌جمهوری پیشین گوش می‌داد که می‌گفت: «من همیشه در کنار تو خواهم بود»، اما درواقع مکرون می‌خواهد آزادی عمل داشته باشد، گرچه به حرف‌های رئیس سابق خود دوستانه گوش می‌دهد.

در فیلم مستند رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری مکرون، یک نکته قابل‌توجه است. مکرون از تیم انتخاباتی خود خشمگین می‌شود زیرا او را در طول سفر به یک کارخانه و دیدار با کارگران اعصاب‌کننده، بسیار محافظت می‌کنند. او در این مستند می‌گوید: «ما به ریسک‌پذیری بیشتری نیاز داریم، ما باید به دهان شیر برویم، وقتی بیش از حد از محافظت می‌کنید پایان کار من نیز مانند اولاند خواهد شد. اگرچه امنیت خواهم داشت، اما احساس مردن می‌کنم».

این سخن در حالی بیان می‌شود که این دو سیاست‌مدار، بسیار به یکدیگر نزدیک هستند. مکرون روی‌کارآمدن خود را مدیون اولاند است، چراکه در سال ۲۰۱۲، اولاند، او را به‌عنوان بازرس مالی رئیس‌جمهوری منصوب کرد. اولاند، این جوان را که ۲۳ سال از خود جوان‌تر بود، زیر بال خود گرفت و یک رابطه تقریباً پروپرسیری بین این دو برقرار بود. سپس مکرون از ۲۶ اگوست ۲۰۱۴ تا ۳۰ اگوست ۲۰۱۶ به‌عنوان وزیر اقتصاد، صنعت و امور دیجیتال اولاند برگزیده شد.

اکنون می‌توان گفت که رئیس‌جمهوری جدید فرانسه مانند اولاند فردی شکننده است. او پیروزی خود را در انتخابات، بیشتر مدیون این واقعیت است که فرانسه، حریف او، «مارین لوپن»، نماینده احزاب راست افراطی، را رد کرد. اولاند نیز در سال ۲۰۱۲ به این دلیل رئیس‌جمهور شد که اکثر مردم می‌خواستند از انتخاب مجدد «نیکلا سارکوزی»، سلف او، جلوگیری کنند.

آیین انتقال قدرت یکشنبه گذشته برگزار شد. مکرون می‌داند که دقیقاً از همین روز، باید به وعده‌هایش عمل کند و نیز می‌داند که اولاند در پایان ریاست‌جمهوری خود، مجبوبیتی میان مردم ندارد و در سال ۲۰۱۶ تنها چهار درصد از مردم از او راضی بودند.

اما از طرف دیگر مکرون می‌داند که از روز یکشنبه، از او انتظار می‌رود که وظایف اولاند را به‌تنهایی انجام دهد و جوان‌ترین رئیس‌جمهوری فرانسه دوست ندارد پایانی مانند

فرانسوا اولاند داشته باشد.



بیچارگانی که صدایشان به جایی نمی‌رسد

ترجمه: محمدعلی عسگری

قرار گرفته بودند. «جان سرکار». ۴۰ساله که پزشکی اهل بنگلادش است و به آوارگان روهینگاییی کمک می‌کند، می‌گوید: «من زنی را درمان کردم که به شکل وحشیانه‌ای به او تجاوز شده بود. تا آنجا که او هیچ حسی نسبت به بدن خود نداشت».

«ساونگ تون»، مشاور امنیت ملی می‌گوید سان سوچی، کمیته‌ای برای تحقیق به ریاست معاون رئیس سابق سازمان اطلاعات نظامی تشکیل داده است تا دراین‌باره تحقیق کند. این تحقیقات اما به گفته او زمان می‌برد. او می‌افزاید: «ما دشوار می‌توانیم باور کنیم که ارتش میانمار از خشونت جنسی یا تجاوز به عنوان یک سلاح استفاده کرده باشد. این کار در میانمار زشت و غیرقابل‌قبول است». کمیته تحقیقی که سوچی تعیین کرده، یکی از کمیته‌های تحقیق دراین‌باره است. ارتش، خود تحقیقی درونی را شروع کرد. وزارت کشور هم که ارتش را در کنترل خود دارد، قرار است دراین‌باره تحقیق کند. همچنین سازمان ملل متحد هیئت‌ی را فرستاد تا درباره این اتهامات تحقیق کنند.

یک منبع دولتی بلندپایه و یک منبع نظامی می‌گویند ارتش از ژنرال «خین ماونگ»، فرمانده واحدی که این عملیات را رهبری می‌کرد، تحقیق کرده است.

ارتش اما به پرسش‌های روبریزر درباره نقش این فرمانده پاسخی نداد و ما با خود او نیز نتوانستیم تماس مستقیم بگیریم.

آتهایی که ماندند

هنگامی که خورشید روز ۱۲ نوامبر در دو روستای دارجی و یای خات غروب کرد، درگیری‌ها هم تمام شده بود. «محمد اسماعیل»، همان معلمی که شاهد درگیری‌ها بوده می‌گوید: «شب پرتشنی بود. بعضی از مردم به روستاهای مجاور گریختند. دیگران سعی می‌کردند صبح روز بعد کوچ کنند». اما پنج نفر از شاهدان عینی گفتند سربازان صبح روز بعد هر دو روستا را محاصره کرده و خانه‌ها را آتش زدند. آن وقت هر کسی که توانست فرار کرد. اما افراد مسن و بیمارانی نتوانستند بروند. رحیم می‌گوید او به چشم خودش دیده سربازان از کمین‌گاه‌های خود در بین شالیزارها بیرون آمده و جاهایی را آتش می‌زدند. گزارش‌های پلیس در این دوره زمانی، حکایت از آن دارد که نیروهای امنیتی روی حدود ۱۰ روستا تمرکز کرده بودند. آنها حدود ۴۰۰ نفر را بین روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر بازداشت کردند. یک مقام دولتی به شرط اینکه نامش محفوظ باشد به روبریزر گفت، گزارش‌ها از یک عملیات قانونی به منظور مبارزه با شورشیان حکایت دارد. دراین‌میان یکی از روستاها بیشترین خسارت را دیده است. بعضی از ساکنان همین روستا گفتند نیروهای امنیتی در پنج روز روستا را محاصره کردند. در چند روستای دیگر نیز اتفاق مشابهی افتاد. سربازان، مردان را یا بازداشت کرده یا کشتند. بعد همه زنان را جمع کردند و با خشونت تمام آنها را بازرسی بدنی کردند.روبریزر با ۱۷ نفر از اهالی این روستا به صورت تلفنی یا به صورت روردرور در اردوگاه‌های بنگلادش صحبت کرد. در بین آنها پنج نفر مورد تجاوز قرار گرفته بودند. تعدادی هم از چهره‌های سرشناس روستا بودند که وقوع همه این حوادث را تأیید کردند.

یک زن ۳۰ساله که شش فرزند دارد، گفت: سربازان به او دستور دادند از خانه خارج شود. او می‌افزاید: «یکی از سربازان داسی را روی سینه من گذاشت و کمرم را چنگ زد. سپس چند زن را از بین آتهایی که در کنار جاده جمع شده بودند انتخاب کردند. من را هم با خود برده و داخل خانه‌ای انداختند. مبتلا به زدم و التماس کردم. گفتم شاید فایده‌ای داشته باشد. آخرین چیزی را که به یاد دارم اینکه سربازبی با لگد به سرم زد». وقتی چند ساعت بعد همسرو خواهرانش او را پیدا کردند، دیدند بیهوش و بدون لباس بر زمین افتاده و از دهان و رحمش خون می‌رود. بعد از هشت روز وقتی این زن به روستای خود برگشت، دید که کسی نیست و خانه‌های زیادی دچار آتش‌سوزی شده است. پزشکان بنگلادشی می‌گویند زنان روهینگایی‌ا را که مجبورانه کرده‌اند، مبتلا به بارگی رحم و خون‌ریزی از دهان در اثر فرورکردن لوله تفنگ بودند. در مواردی زنان قادر به حرکت نبوده و نزدیکان‌شان مجبور بودند آنها را بر دوش گرفته و به درمانگاه ببرند. آثار ضربه و کارگرفتن در تمام بدن آنها به چشم می‌خورد است. در مواردی که پزشکان نتوانستند فرد را معالجه کنند شخصی آسیب‌دیده می‌بیمارستانی در شهر منتقل شده است.

خارج از کشور

وقتی هزاران نفر از روهینگایی‌ها داشتند از مرزهای کشورشان به سمت بنگلادش فرار می‌کردند، آنگ سان سوچی در کشور نبود. اوایل دسامبر بود که او به سنگاپور رفته و در نشست‌هایی شرکت کرد. طرفداران سوچی که بعضی‌شان دیپلمات‌های غربی هستند، می‌گویند قانون اساسی تدوین شده از سوی نظامیان به گونه‌ای است که ارتش را بر وزارتخانه‌های امنیتی و بخش‌های اعظمی از دولت مسلط می‌کند. به گفته این دیپلمات‌ها، شاید سوچی به آینده‌های دورتر چشم دوخته باشد. در واقع الان او از ارتش حمایت می‌کند تا بعد بتواند از ارتش برای تجدید نظر در قانون اساسی و کاهش اختیارات‌شان کمک بگیرد.

در آن سفر تلویزیون سنسکاپور مصاحبه‌ای را با خانم سوچی ترتیب داد. در این مصاحبه او جامعه بین‌المللی را متهم کرد که پیوسته یک «آتش بدبینی» را شعله‌ور می‌کند. او گفت سودی نخواهد داشت که «همه بر یکدیج منفی این وضعیت تمرکز کنند». سوچی همچنین خواستار آن شد که پیچیدگی‌های مسئله ژزادی در کشورش را درک کنند و افزود: «جهان نباید فراموش کند اقدام نظامی ارتش در پاسخ به حمله شورشیان به پاسگاه‌های مرزی بوده است». رحیم، یک معلم روستا و یکی از هزاران نفر از اهالی روهینگیا به حساب می‌آیند که از طریق رودخانه مسافتی دوکیلومتری را به سوی بنگلادش طی کردند. هشتم آوریل همسر رحیم نخستین فرزندش را در اردوگاه آوارگان بنگلادش به دنیا آورد. او نمی‌داند آیا همسرش روزی دوباره وطنش را خواهد دید یا خیر.

منبع: روبریزر عربی

اغراق آمیز رفتار کرده باشند. اما آنچه را ما می‌خواهیم توضیح دهیم این است که سیاست دولت چشم‌پوشی بر این رسوایی‌ها نیست».

پاک‌سازی نژادی

سال‌ها محرومیت، برخی از روهینگیاها را مجبور کرد برای به‌دست‌آوردن حقوق‌شان به مبارزه مسلحانه روی آورند. گروه بحران‌های بین‌المللی می‌گوید روهینگیاهایی که در عربستان سعودی به سر می‌برند در سال ۲۰۱۲ یک گروه مسلح به نام «جنبش یقین» را تشکیل دادند. «عطاالله»، رهبر این جریان می‌گوید صدها نفر از جوانان روهینگیا به گروه او پیوسته‌اند و قرار است به زودی نام گروهشان را به «ارتش آراخان برای نجات روهینگیا» تغییر دهند. دولت میانمار می‌گوید تعداد افراد این گروه به حدود ۴۰۰ رزمنده می‌رسد. عطاالله از محلی که آن را افشا نمی‌کند، می‌گوید: «در سال ۲۰۱۲ با ما جنگ کردند و ما از آن موقع فهمیدیم حقوق‌مان را نخواهند داد».

نهم اکثبر گذشته بود که نیروهای مسلح این گروه به پلیس مرزی حمله کردند. پس از آن ارتش تلاش کرد شورشیان را دستگیر کند. بعضی از اهالی و ساکنان روستاهای روهینگیا می‌گویند ارتش به مدت یک ماه به اهالی فشار آورد تا شورشیان را تحویل دهند. یک منبع در سازمان اطلاعات نظامی ارتش می‌گوید روستای «کیت یوی» واقع در راه اصلی شمال به بنگلادش در غرب راخین یکی از اولین روستاهایی بود که توجه ارتش را به خود جذب کرد. همین منبع می‌گوید ساکنان منطقه با چوب راه‌ها را بر ارتش بستند، در واکنش به این اقدام بود که سربازان بخشی از این روستا را به آتش کشیدند و به طرف اهالی شلیک کردند. مقامات دولتی شورشیان و ساکنان روستا را مسئول آتش‌زدن خانه‌ها معرفی می‌کنند. طبق گفته یکی از رؤسای طایفه روهینگیا، حدود ۳۰۰ سرباز راه را بستند. این کار حاد بود که به گفته او سران قبیله داشتند با آنها گفت‌وگو می‌کردند. ارتش می‌گوید این گفت‌وگوها در واقع تلاش‌های ارتش در هفته‌های نخست برای فشار آوردن بر اهالی روستا و کشف هویت شورشیان بوده است. فردی که در این مذاکرات شرکت کرده، می‌گوید: «اولین سؤالی که پرسیدند این بود که چه کسی درختان را قطع کرده است؟ ما گفتیم نمی‌دانیم. گفتند ما به شما یک هفته فرصت می‌دهیم. با اسامی شورشیان را به ما بدهید یا شما را می‌کشیم». یکی دیگر از اهالی این روستا می‌گوید نیروهای ارتش چند بار دیگر هم آمده و خواستار تحویل شورشیان شدند. حتی پولی گرفتند تا آسینبی به اموال مردم در خانه‌ها نزنند. ساکنان می‌گویند این‌گونه صحنه‌ها بارها تکرار شده و در روستاهای دیگر هم سابقه داشته است.

طرفداران سوچی می‌گویند قانون اساسی تدوین شده از سوی نظامیان به گونه‌ای است که ارتش را بر وزارتخانه‌های امنیتی و بخش‌های اعظمی از دولت مسلط می‌کند. به گفته این دیپلمات‌ها، شاید سوچی به آینده‌های دورتر چشم دوخته باشد. در واقع الان او از ارتش حمایت می‌کند تا بعد بتواند از ارتش برای تجدید نظر در قانون اساسی کمک بگیرد

شروع یک حمله وحشیانه

بعد از یک مهلت دوهفته‌ای، خشونت‌ها ناگهان بالا گرفت. ارتش با شورشیان در شمال دو روستای واقع در غرب راخین درگیر شد. در آنجا بیش از ۴۰۰ خانه وجود داشت، در یک روستای دیگر هم ۶۰۰ خانه وجود داشت. «محمد اسماعیل» که می‌معلم اهل دارجی‌را است، می‌گوید که ارتش ساعت چهار صبح در مسافت چند کیلومتر شمال روستا در کمین شورشیان نشسته بود. بعد از شروع تیراندازی به مدت دو ساعت، افراد مسلح به سمت روستای مجاور گریختند و بعدازظهر بود که درگیری‌ها دوباره شروع شد. ساکنان نتوانستند تعداد افراد مسلح را تشخیص دهند چون منطقه مملو از درخت بود.

عطاالله رهبر شورشیان می‌گوید او و نیروهایش محاصره شده بودند. او می‌افزاید: «ما مجبور به جنگ شدیم». او تعداد نیروهای مسلحی را که در این درگیری‌ها شرکت کرده بودند، نگفت. به گفته عطاالله، برخی از اهالی روستاها در جریان این نبرد که یک روز به صورت قهرمانانه ادامه پیدا کرد، به شورشیان پیوستند و با کار و چوب با نیروهای امنیتی درگیر شدند.در گزارش‌های رسمی آمده است یک افسر بلندپایه در این درگیری‌ها کشته شد و ارتش برای اعزام دو بالگرد مجهز به مسلسل درخواست کرد. گزارش‌های دولتی می‌گوید این حادثه به دنبال کمین شورشیان صورت گرفت. شاهدان عینی اما می‌گویند بالگردها حدود ساعت چهار بعدازظهر بود که رسیدند. آنها در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند و مردم وحشت‌زده شدند. یکی از آنها به سمت شورشیان تیراندازی می‌کرد. یک بالگرد دیگر اما به صورت خودبه‌خودی به سمت فراری‌ها شلیک می‌کرد. منابع ارتش می‌گویند بالگردها جمعیت را متفرق کرد اما به سمت غیرنظامیان شلیک نکرده است. این شروع یک حمله در بخشی از شمال غرب راخین بود که طبق گفته اهالی حدود دو هفته ادامه پیدا کرد. سازمان‌های دیده‌بان حقوق بشر و غفو بین‌الملل نیز دراین‌باره تصاویری ماهواره‌ای تهیه کرده‌اند. مقامات امنیتی و دولتی می‌پذیرند که درگیری بزرگی بوده است اما نسبت به جزئیات این درگیری‌ها اطلاعاتی نمی‌دهند. تعداد اندکی از مردم به سمت شمال و از آنجا به سمت غرب یعنی بنگلادش گریختند. ارتش آنها را تعقیب کرد. زنانی که در معرض تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، می‌گویند سربازان بر سر ما فریاد کشیده و می‌گفتند: «به بنگلادش بروید». سه نفر از پزشکان درمانگاه‌ها کوچک در نزدیکی اردوگاه آوارگان می‌گویند بیش از ۳۰ زن را معاینه کردند که در معرض تجاوز

هنگامی که بالگردهای ارتش میانمار به طرف روستای رحیم آتش گشودند، از همسرش که حامله بود خواست یکی از دخترانش را برداشته و از آن روستا برد. رحیم در یک روستای متعلق به طایفه روهینگیاها در شمال غرب میانمار معلمی می‌کرد. او به همراه مادر ۲۲ساله‌اش در این روستا ماند. روز بعد ارتش روستا را محاصره و وارد آن شد. رحیم و مادرش به یکی از مزارع برنج پناه بردند تا در آنجا مخفی شوند. رحیم می‌گوید از محل اختفای خود سربازان ارتش را می‌دید که خانه‌ها را آتش زده و به سمت فراری‌ها شلیک می‌کردند. او می‌افزاید: «فکر کردم همان روز خواهیم مرد. صدای گلوله بود که می‌شنیدیم. چند نفر را دیدم که با شلیک تیر کشته شدند». چهار نفر از اعضای روستای رحیم داستان او را تأیید می‌کنند. او الان در اردوگاه پناه‌جویان در بنگلادش به سر می‌برد؛ جایی که هزاران نفر از طایفه روهینگیا به آنجا پناه آورده‌اند. بعضی از مردان روهینگیا گفتند حمله به روستای رحیم یعنی روستای «دارجی زار»، در روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر صورت گرفت و ده‌ها نفر در جریان آن کشته شدند.روبریزر با پیگیری روند حوادث دریافت که آن حمله شروع یک عملیات نظامی از سوی ارتش بوده است؛ عملیاتی که دو هفته طول کشید و حدود ۱۰ روستای وابسته به روهینگیاها را در شمال استان راخین در بر می‌گرفت. مردان روهینگیا می‌گویند تاکنون ۶۰۰ نفر از آنان کشته شده‌اند. گزارش سازمان ملل متحد این مقدار را صدها نفر برآورد می‌کند. تصاویر ماهواره‌ای ارائه‌شده از سوی سازمان دیده‌بان حقوق بشر، نشان می‌دهد دست‌کم هزارو ۵۰۰ خانه در این حملات ویران شده است.شاهدان عینی و کسانی که در زمینه کمک‌های انسان‌دوستانه فعالیت می‌کنند، می‌گویند تعداد نامشخصی از زنان در معرض تجاوز قرار گرفته‌اند. پزشکان بنگلادشی به روبریزر گفتند آنها زنانی را که به آنها تجاوز شده، درمان کرده‌اند.این تازه‌ترین دور از تخریب‌های بین این دو طایفه، دست‌کم ۱۹۲ نفر کشته و بیش از ۱۴۰ هزار نفر که اکثرشان روهینگیاها بودند از خانه‌های خود آواره شدند.سازمان ملل متحد می‌گوید موج اخیر خشونت‌ها منجر به انتقال حدود ۲۵ هزار نفر از روهینگیاها به سوی بنگلادش شده است. دولت میانمار اعتراف می‌کند ممکن است برخی از سربازان مرتکب جنایاتی شده باشند؛ اما اتهامات مربوط به «پاکسازی نژادی» را نمی‌پذیرد. دولت وعده داده است افسرانی را که دلایل کافی بر ارتکاب جرم‌شان وجود داشته باشد، تحویل دادگاه بدهد.

بحرانی برای سوچی

عملیات نظامی که دست‌کم دو هزار سرباز در آن مشارکت داشتند، نخستین بحران بزرگ برای «آنگ سان سوچی» بعد از پیروزی خود در انتخابات اواخر سال ۲۰۱۵ به شمار می‌رفت. بسیاری امیدوار بودند سوچی که دارای جایزه صلح نوبل است، بتواند پس از پنج دهه حکومت نظامیان، دوران تازه‌ای را از مدارا در کشور تجربه کند. با وجود اینکه ژنرال‌های ارتش همچنان بر بخش بزرگی از دولت مسلط هستند، سوچی با اتهاماتی نظیر کوتاهی در برابر موارد نقض حقوق بشر در کشورش مواجه است. «تاونگ تون»، مشاور امنیت ملی در دولت سوچی، می‌گوید احتمال دارد بعضی افراد «به صورتی عمدی» این جنایات را مرتکب شده باشند. او تأکید دارد دولت چنین رفتارهایی را به رسمیت نمی‌شناسد. سوچی به پرسش‌های متعدد خبرنگاران درباره حوادث استان راخین پاسخی نمی‌دهد.ارتش «عملیات پاکسازی» را زمانی شروع کرد که افراد مسلح روهینگیا به مناطق مرزی حمله کردند. در یک ماه ارتش سعی کرد به صورتی بی‌حاصل بر اهالی روستا فشار آورد تا شورشیان را تسلیم کنند؛ این روش روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر در روستای «دارجی زار» و روستای «یای خات چاونگ» ناگهان تغییر کرد و این روستاها در معرض یک عملیات نظامی شدید قرار گرفتند.

در اینجا بر حوادث به گونه‌ای تأکید می‌شود که از گفت‌وگویی با آوارگان روهینگیا و دیپلمات‌ها و نیز کمک‌رسان‌های بین‌المللی و مقامات دولتی میانمار به دست آمده است. روبریزر توانست با بعضی از مقامات امنیتی در میانمار تماس بگیرد که اتفاقی نادر بود. همچنین توانست با یکی از فرماندهان شورشیان روهینگیا صحبت کند. این گزارش همچنین حاوی روند عملیات نظامی به تمام جزئیات آن است که تا‌به‌حال منتشر نشده و شامل گفت‌وگوهای ارتش با اهالی روستاها درباره تحویل‌دادن شورشیان و اقدامات بعدی در زمینه تهیه یک استراتژی نظامی و آماده‌کردن آمادهای ارتش برای شرکت در این عملیات می‌شود. روبریزر همچنین به جزئیات بیشتری در ارتش و وزارت کشور میانمار دست یافت که حاصل تحقیقات در زمینه ارتکاب جرائم بود. این حوادث خشونت‌بار در مجموع «وحشیانه» توصیف شده است. دختری ۱۶ساله که در روستای «کیارچاونگ» در معرض تجاوز قرار گرفته، می‌گوید دو سرباز به او تجاوز کرده‌اند. او در اردوگاه آوارگان بنگلادش به ما گفت هنوز از درد و آسیب‌های ناشی از آن حادثه رنج می‌برد. این دختر که قرار شد نامش مخفی بماند، افزود: «من عصبانی‌ام که چرا باید یک روهینگایی باشم. اگر یک بنگلادشی یا آمریکایی بودم، در معرض چنین تجاوزی قرار نمی‌گرفتم؛ اما آنها به این دلیل با من چنین کاری را کردند که یک روهینگیا متولد شده‌ام».

ارتش وقوع جرائم گسترده را نفی می‌کند و می‌گوید یک عملیات قانونی را برای مقابله با شورشیان ترتیب داده است. ارتش یا وزارت کشور به پرسش‌های خبرنگار ما درباره حوادث راجح جوابی ندادند.تاوانگ تون، مشاور امنیت ملی، می‌گوید: «احتمال دارد افرادی از افسران یا نیروهای پلیس به شیوهی‌ا